روزنامه اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی

همشهری

دوشنبه ۱۷ آذر ۱۴۰۴ ■ سال سی‌وسوم ■ شماره ۹۵۵۸

سرمایه گذاری برای تولید

■حضرت امیر المؤمنین علی(ع):
روزها، دفتر عمرهای شماست؛ آنها را با نیکوترین کردارهایتان جاوید سازید.

■اذان ظهر: ۱۱:۵۶ ■غروب آفتاب: ۱۶:۵۱
■اذان مغرب: ۱۷:۱۱ ■نیمه شب شرعی: ۲۳:۱۲
■اذان صبح فردا: ۵:۳۳ ■طلوع آفتاب فردا: ۷:۰۲

حافظ
تا دم از شام سر زلف تو هر جا نزنند
با صبا گفت و شنیدم سحری نیست که نیست

صفحه‌آرا: علیرضا بهرامی

■پذیرش آگهی: ۸۴۳۲۱۰۰۰
■چاپ: همشهری
■تلفن: ۴۸۰۷۵۰۰۰

■توزیع و اشتراک: موسسه نشر گستر امروز نوین
■تلفن توزیع: ۶۱۹۳۳۰۰۰
■تلفن اشتراک: ۶۱۹۳۳۱۱۴

■دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولیعصر (عج)، کوچه شهید سیدکمال قریشی، شماره ۱۴
■کدپستی ۴۵۹۵۶-۱۹۶۶۶ ■تهران، صندوق پستی ۱۹۳۹۵/۵۴۴۶
■تلفن: ۲۳۰۲۳۰۰۰، نمابر: ۲۲۰۴۶۰۶۷

■همشهری آنلاین: www.hamshahrionline.ir
■سایت روزنامه: newspaper.hamshahrionline.ir

صفحه آخر

■صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری
■مدیر مسئول: محسن مهدیان
■سردبیر: دانیال معمار
■دبیر تحریریه: شهرام فرهنگی
■معاونان سردبیر: علی عمادی، شاهین امین
■مدیر فنی: حامد یزدانی
■مدیر هنری: مهدی سلامی
■دبیر عکس: امیر پناهپور

سیاسی و دیپلماتیک:
■مدیر: حسین ارجلو
شهرنگار:
■مدیر: پروانه بهرام‌نژاد
■دبیر: مریم باقرپور
اقتصاد:
■مدیر: حسین لطفی
■دبیر: مریم موسی‌پور
تماشاگر:
■مدیر: امیرمحمد یعقوب‌پور
■دبیر: لیلی خرسند
گزارش:
■مدیر: فهیمه طباطبایی

سرزمین من:
■مدیر: سیده زهرا عباسی
■دبیر: زهرا رفیعی
تندرستی:
■مدیر: جواد نصرتی
■دبیر: مریم سرخوش
سرنخ:
■مدیر: جواد عزیزی
■دبیر: محمد جعفری
دانستنیها:
■مدیر: ساسان شادمان
■دبیر: زهرا خلجی

جامعه:
■مدیر: مسعود میر
■دبیر: فاطمه عسگری‌نیا
۲۴ (سینما و تلویزیون):
■مدیر: سعید مروتی
■دبیر: علیرضا محمودی
صفحه آخر:
■دبیر: عیسی محمدی
سرگرمی:
■دبیر: فرزام شیرزادی
طرح و گرافیک:
■دبیر: محمدعلی حلیمی

■سردبیر آنلاین: سید مجتبی صادقی
■معاونان آنلاین: کامران بازنجی، حامد فوقانی
■مدیر محتوای تلویزیون: اسماعیل سلطنت‌پور
■مدیر چندرسانه‌ای: زهراسادات بهشتی
■مدیر پخش زنده: امیرحسین محمددوست
■مدیر تولید تلویزیون: الهه‌سادات بهشتی
■مدیر فضای مجازی: محمدحسین امیری

سند مالکیت جزایر سه‌گانه

نگاهی به نقشه‌های قدیمی که حاکمیت مطلق ایران بر جزایر سه‌گانه را اثبات می‌کنند

فاطمه عباسی | روزنامه‌نگار | بار دیگر سریال تکراری و ملال‌آور بیانیه‌های شورای همکاری خلیج‌فارس اکران شد؛ نشستی که در خروجی آن، همچون سنوات گذشته، جملاتی کلیشه‌ای و فاقد وجاهت حقوقی درباره جزایر سه‌گانه ایرانی (ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک) گنجانده شده است. این ادعاها در حالی با واژگانی تکراری مخابره می‌شود که جمهوری اسلامی ایران همواره با تکیه بر «حقایق مسلم تاریخی» و «اسناد حقوقی بین‌المللی»، این جزایر را جزو تخطی‌ناپذیر خاک خود دانسته و هرگونه مداخله درخصوص آن را مردود اعلام کرده است. اما در پاسخ به این هیاهوی دیپلماتیک، علی‌اکبر ولایتی، مشاور مقام‌معظم‌رهبری در امور بین‌الملل، با استدلالی روشن و متکی بر اسناد کهن، آب پاکی را روی دست مدعیان ریخته است. محور اصلی پاسخ ولایتی و استراتژی ایران، ارجاع به «حافظه مکتوب تاریخ» است. اسناد و نقشه‌های معتبر بین‌المللی که قرن‌ها پیش از آنکه کشوری با نام «امارات متحده عربی» در سال ۱۹۷۱ میلادی روی نقشه جهان پدیدار شود ترسیم شده‌اند، به‌وضوح جزایر سه‌گانه را به رنگ پرچم ایران و در قلمرو سرزمین پارس نشان می‌دهند. منطق ایران روشن است: چگونه کشوری که عمر سیاسی آن به نیم‌قرن هم نمی‌رسد، می‌تواند بر سرزمینی که هزاران سال تحت حاکمیت ایران بوده و نقشه‌های کلاسیک جهان (حتی نقشه‌های ترسیم‌شده توسط قدرت‌های غربی وقت) بر ایرانی‌بودن آن گواهی می‌دهند، ادعای مالکیت کند؟ این نقشه‌ها نه صرفا یک تصویر، بلکه سند رد هرگونه ادعای کذب و فاقد ارزش حقوقی هستند که در ادامه به بررسی دقیق برخی از آنها می‌پردازیم.

سند آکسفورد؛ گواهی ۳قرن پیش (۱۷۳۰میلادی)

سند تاریخی دیگر، نقشه‌ای است که ریشه در محافل علمی معتبر غرب دارد و در سال ۱۷۳۰ میلادی در آکسفورد تدوین شده است. این اثر که «نقشه طبیعی ایران و بخشی از قلمروهای شرق» نام دارد، به‌عنوان یک سند بین‌المللی بی‌طرف، خط بطلانی بر ادعاهای واهی امروز می‌کشد. اهمیت راهبردی این نقشه در این است که حدود ۲۴۰سال پیش از تأسیس موجودیتی به نام امارات، جزایر سه‌گانه (ابوموسی و تنب‌های بزرگ و کوچک) را صراحتا در دل قلمرو حاکمیتی ایران ترسیم کرده و پیوستگی تاریخی این جزایر به خاک ایران را اثبات می‌کند.

اعتراف بریتانیایی در عصر ناصری (۱۸۹۲میلادی)

یکی از اسناد انکارناپذیر، نقشه رنگی «انجمن سلطنتی جغرافیایی بریتانیا» چاپ لندن در سال ۱۸۹۲ (دوره ناصرالدین‌شاه) است. با وجود سیطره انگلیس در آن برهه، این سند رسمی جزایر سه‌گانه را دقیقا هم‌رنگ خاک ایران ترسیم کرده که اقراری آشکار به حاکمیت ایران است. نکته کنایه‌آمیز آنکه در این نقشه، قلمرو فعلی امارات نه به‌عنوان یک کشور، بلکه با عنوان «ساحل دزدان دریایی» ثبت شده و شیخ‌نشین‌هایی مانند دبی و شارجه، تنها آبادی‌هایی کوچک و فاقد هویت مستقل سیاسی ذیل منطقه عمان نمایش داده شده‌اند.

سند داخلی حقانیت؛ گنجینه موزه ملک

علاوه بر اسناد آرشیوهای غربی، گنجینه‌های داخلی نیز راوی حقیقت‌اند. در «مؤسسه کتابخانه و موزه ملی ملک»، سندی ارزشمند با عنوان «نقشه ایران و قسمتی از امپراتوری عثمانی» نگهداری می‌شود که سندی متقن بر حقانیت تاریخی ایران است. این نقشه که بازتاب‌دهنده جغرافیای سیاسی دوران قدرت امپراتوری‌های بزرگ منطقه است با ترسیم دقیق مرزها، حاکمیت بلامنازع ایران بر جزایر سه‌گانه را در دورانی بسیار دورتر از شکل‌گیری دولت‌های مدرن عربی تأیید می‌کند و پاسخی دندان‌شکن به ادعاهای بی‌اساس امروز است.

روایت پاریس از خلیج‌فارس (۱۷۸۷میلادی)

سومین سند معتبر ما را به قلب اروپا و شهر پاریس در سال ۱۷۸۷ میلادی می‌برد. در این سال «نقشه خلیج‌فارس» ترسیم شد؛ سندی که با دقت جغرافیایی بالا، بار دیگر بر تعلق ابدی جزایر سه‌گانه به ایران صحه می‌گذارد. این نقشه تاریخی نشان می‌دهد که در دیدگاه جهانیان و حتی در اسناد رسمی اروپایی قرن هجدهم، هیچ تردیدی درخصوص ایرانی‌بودن این جزایر وجود نداشته و ادعاهای امروزی، تلاشی نافرجام برای تحریف واقعیتی است که قرن‌ها پیش از تولد کشورهای عربی حاشیه خلیج‌فارس، در پاریس ثبت و ضبط شده است.

گل‌به‌خودی استعمار؛ سند اداره‌کل جنگ انگلستان (۱۸۸۸)

شاید کوبنده‌ترین سند، نقشه ۶قسمتی «اداره‌کل جنگ انگلستان» باشد که پس از سال‌ها فراموشی، سال ۱۳۹۰ در آرشیو وزارت خارجه کشف شد. در این سند که سفیر وقت بریتانیا شخصا به ناصرالدین‌شاه تقدیم کرد، جزایر سه‌گانه دقیقا هم‌رنگ خاک ایران ترسیم شده‌اند. اعتبار حقوقی این نقشه چنان بالا بود که مذاکرات استعماری آگوست ۱۸۸۸ را به نفع ایران متوقف کرد و «لرد سالزبوری»، وزیر خارجه وقت انگلیس، برای جلوگیری از تکرار این رسوایی، دستور داد اهدای هرگونه نقشه به دولت‌های خارجی برای همیشه ممنوع شود.

سند روی میز شورای امنیت (۱۹۶۷میلادی)

برگ برنده دیگر، سندی است که ایران سال ۱۹۷۱ برای اتمام حجت در شورای امنیت سازمان ملل ارائه کرد. این نقشه که سال ۱۹۶۷ در شوروی (به مناسبت پنجاهمین سالگرد انقلاب اکتبر) چاپ شده، جای هیچ انکاری باقی نمی‌گذارد. در این اطلس رسمی، جزایر سه‌گانه دقیقا به رنگ قلمرو ایران ترسیم و ذیل نام هر جزیره، مالکیت ایران تصریح شده است. بازنشر این سند در روزنامه اطلاعات (آذر ۱۳۵۰) گواهی است بر اینکه حتی بلوک شرق نیز پیش از تأسیس امارات، به ایرانی‌بودن این خاک معترف بوده است.

سوژه روز

آب چاه یا آب شهری!

سیدسروش طباطبایی‌پور | روزنامه‌نگار | اینجا خیابان شهریار تهران است؛ درست روبه‌روی تالار باشکوه وحدت، یعنی جایی که به قول حافظ باید که خاک درگه اهل هنر شوی! اما همین چند روز پیش، یکی از مغازه‌دارهای این خیابان فرهنگی، مشغول رفت‌وروب خاک این خیابان با آب بود؛ آن هم آبی که این روزها مثل جواهر شده و کمبود آن بر همگان روشن! اما دیالوگ او با یکی از رهگذران هم شنیدنی است. وقتی که یکی از شهروندان دغدغه‌مند، دیدن این رفتار را برنتابید و زبان به شکایت گشود و گفت: «آقا... آب رو هدر نده؛ به‌خدا کمبود آب داریم. آخه با آب که خیابون رو نمی‌شورن» و مرد با عصبانیت غرغر می‌کرد که «برو پی کارت آقا... این آب چاهه، آب خوردن که نیست... اصلا دوست دارم آب بریزم... خیابون هم باید تمیز بشه....»
کاش این همشهری عزیز می‌دانست که آب، آب است و مصرف بی‌رویه آب لوله‌کشی با آب چاه تفاوت چندانی ندارد. کاش او می‌دانست که هر کاری که دوست داریم، نباید انجام دهیم. کاش او می‌دانست که برداشت بیش از حد از آب چاه‌ها هم باعث افت شدید سطح آب سفره‌های زیرزمینی شده. این پدیده در بسیاری از دشت‌های ایران مانند تهران، مشهد، کرمان و اصفهان مشاهده شده است. کاش او می‌دانست با کاهش سطح آب زیرزمینی، خاک فشرده می‌شود و زمین نشست می‌کند. کاش او می‌دانست که نشست برخی مناطق جنوب تهران به همین دلیل است؛ و کاش او می‌دانست و کاش و کاش و کاش...! و کاش او آب را بیشتر دوست داشته باشد و قدر این نعمت الهی را بداند.

دور دنیا

انیمه‌ای برای زنده‌کردن زبان و غرور ملی!

سال‌هاست کشورهایی که پیشینه تاریخی طولانی دارند، تلاش می‌کنند تا غرور ملی خود را به کودکان و نوجوانان سرزمین‌شان منتقل کنند. حالا مدتی است در دل کوه‌های آند در اکوادور، گروهی از جوانان بومی اوتاوالو با بهره‌گیری از انیمه، تلاش می‌کنند تا غرور فرهنگی و زبانی را در میان کودکان جامعه خود زنده نگه دارند. آنها با ساخت انیمیشن کوتاهی به نام «ما آیا هستیم» داستان جنگجوی اسطوره‌ای به نام «آیا» را روایت می‌کنند که در کنار شخصیت‌هایی دیگر، تحت نظارت کندور – پرنده‌ای نمادین در فرهنگ بومی آند – به ماجراجویی می‌پردازد. این پرنده نماد قدرت و انرژی در فرهنگ‌های بومی منطقه است.
این اثر که از سبک انیمیشن‌های میازاکی، انیماتور افسانه‌ای ژاپنی الهام گرفته در کوه‌های ایمبابورا، زادگاه مردم اوتاوالو و مرکز صنایع‌دستی آنها روایت می‌شود. کارگردان فیلم، توپاک آمارو هدف از ساخت این انیمیشن ۹ دقیقه‌ای را حفظ زبان و رسوم اوتاوالو عنوان می‌کند؛ فرهنگی که در مواجهه با جهانی‌سازی در معرض فراموشی قرار گرفته است. آمارو می‌گوید که مردمش میان دو راهی قرار گرفته‌اند: یا انزوا و حفظ سنت‌ها، یا ایستادگی و مبارزه برای بقا. او معتقد است زبان کیچوا که از خانواده زبان‌های کچوا و زبان مادری مردم اوتاوالوست، جوهره هستی آنهاست و بدون آن، معنا و انرژی زندگی از بین می‌رود. او هشدار می‌دهد که کودکان امروزی دیگر کیچوا نمی‌دانند و این به‌معنای از دست دادن ابزار ارتباطی و حس تعلق است. فیلم با ۱۲ شخصیت کیچوا زبان، نخستین گام برای بازگرداندن این زبان به نسل جدید است. یاریک سیسا، مدیر خلاق پروژه می‌گوید: «داستان فیلم از آیین‌های نیاکانی الهام گرفته که هنوز در میان مردم زنده‌اند؛ از جمله بردن سازهای موسیقی به نقاط انرژی‌دار زمین پیش از جشن‌ها تا روح در آنها دمیده شود. شخصیت‌هایی چون آیاروکو (نماد روح شکست‌ناپذیر)، آیاوا (نماد زنانگی والا) آیاکو (کودکی نماد لطافت) با نواختن ساز و رقص آیینی وارد غاری تاریک می‌شوند که نماد جهانی‌سازی است. در آنجا ارواح به آنها مأموریت می‌دهند تا بذرهای نوین فرهنگ خود باشند. در پایان، پدربزرگی بومی به نوه‌اش می‌گوید که باید زنی استوار و حافظ فرهنگشان شود و از او می‌خواهد هرگز از این مسیر منحرف نشود. تیم سازنده امیدوار است در آینده فیلم‌ها و بازی‌های ویدئویی بیشتری به زبان کیچوا تولید کند و حتی وارد بازار جهانی بازی شود؛ بازی‌هایی که توسط کیچواها، در محیطی کیچوا ساخته شده‌اند.

طهران قدیم

میراث معطر «مسیو پروتیوا»

شاید عجیب باشد اما تهران، این کلانشهر که مستشرقان و سیاحان در سفرنامه‌هایشان به اشتباه آن را بخشی از «سرزمین گل و بلبل» می‌پنداشتند، تا همین یک قرن پیش جز بیابان و خشکی، بهره‌ای از باغ‌های مدرن نداشت. روایت سبز شدن پایتخت، قصه‌ای خواندنی است که ریشه در دهه‌های نخستین قرن حاضر دارد؛ روزگاری که خرید و فروش «گل» از یک کالای لوکس درباری به تجارتی پررونق بدل شد.
براساس گزارشی که مجله «خواندنی‌ها» در ۹آذر ۱۳۳۴ منتشر کرده، استارت تغییر ذائقه تهرانی‌ها را یک باغبان فرانسوی به نام «پروتیوا» زد. او که در اواخر دوره قاجار به ایران آمد و در دوره پهلوی اول ماندگار شد، با حمایت‌های ویژه و معافیت‌های گمرکی برای واردات بذر، «گلکاری به سبک اروپایی» را در ایران پایه‌گذاری کرد. کار به جایی رسید که فرزندان پروتیوا شغل پدر را ادامه دادند و نامشان در کنار بزرگان گل‌فروشی تهران ثبت شد.
این صنعت نوپا چنان با سرعت ریشه دواند که در میانه دهه ۳۰شمسی، حدود ۱۰هزار نفر در تهران از راه گل‌فروشی، باغبانی و پیوندزنی ارتزاق می‌کردند. نگاهی به قیمت‌های آن روزگار جالب است؛ در سال ۱۳۳۴، قیمت یک دسته گل معمولی بین ۵ تا ۳۰ تومان، سبد گل تا ۵۰۰ تومان و تزیین ماشین عروس که رسمی تازه بود، تا ۳۰۰ تومان هزینه داشت. واردات بذر و پیاز گل از هلند، بلژیک و حتی آمریکا با هواپیما انجام می‌شد تا گل‌های لاله، سنبل و ارکیده تازه بمانند.
اما اوج این تجمل، رونمایی از گل‌های اختصاصی بود. برای مثال، نمایندگان مؤسسات اروپایی پس از کسب اجازه از دربار، گونه‌ای جدید از گل رز با رنگ آتشین را وارد بازار ایران کردند. این موج نوسازی چنان فراگیر شد که طبق آمار آن سال‌ها، ۸۰درصد مردم تهران، حتی قشر کم‌بضاعت، دست‌کم یک گلدان در خانه داشتند و بذر گل‌های بنفشه «روگلی» که سهمیه ایران از آن تنها ۱۰کیلو در سال بود، مشتریان پروپاقرص داشت. اینگونه بود که تهران خشک و سنگی، آرام‌آرام عطر گل گرفت.

پیشنهاد خوب

ضیافت آتش‌بازی در آسمان

اگر دلتان برای خیره شدن به آسمان تنگ شده، آخر همین هفته بهترین فرصت سال است. بارش شهابی «جوزایی» که خیلی‌ها آن را باشکوه‌ترین و مطمئن‌ترین نمایش آسمانی می‌دانند، قرار است در شب‌های ۲۲و ۲۳آذرماه آسمان ایران را چراغانی کند.
برخلاف بسیاری از رویدادهای نجومی که نیاز به ابزار خاص دارند، برای دیدن این ضیافت فقط کافی است از آلودگی نوری شهرها دور شوید، لباس گرم بپوشید و روی یک صندلی راحتی لم بدهید. اوج این آتش‌بازی فضایی حوالی ساعت ۲بامداد رخ می‌دهد که می‌توانید تا ۶۰ شهاب در ساعت را با چشم غیرمسلح ببینید. نمایش از اوایل شب با شهاب‌های کند و کشیده آغاز می‌شود و هرچه به نیمه‌شب نزدیک شویم، سرعت و تعدادشان بیشتر می‌شود.
خوشبختانه امسال وضعیت آسمان برای رصد عالی است و نورماه مزاحمت زیادی ایجاد نمی‌کند. کافی است نگاهتان را به سمت شرق و جنوب آسمان (جایی که سیاره پرنور مشتری می‌درخشد) بدوزید. منشأ این زیبایی، بقایای جرمی مرموز به نام «فایتون» است که هر سال در آذرماه زمین را غافلگیر می‌کند. حتی اگر هوا در شب اصلی ابری بود، شب‌های قبل از آن هم آسمان تماشایی خواهد بود.